

نظر والدین دست پیدا می‌کند، وگرنه این کتاب‌ها از زیر نظر ممیزان بزرگ ارشاد رد شده و به بازار نشر آمده‌اند.

ایراد در نگاه والدین فقط این است که آن کتاب‌ها فاقد ادبیات فاخرند و ارزش افزوده اندکی دارند؛ کودک و نوجوان در بیشتر مواقع با خواندن آن کتاب‌ها با صدای بلند می‌خندند و یاد شیرین‌کاری‌های خودشان در مدرسه و خانه می‌افتند.

این نوجوان‌ها در نظر والدین کتابخوان نیستند و از کتاب یاد نمی‌گیرند، بلکه بیشتر در حال بازیگوشی با کتاب‌اند. آنها نوجوان این عصر دیجیتال و ویدئوگیم هستند، همین قدر که به کتاب‌های تصویری و مکتوب رو آورده‌اند، از بسیاری از هم‌سن و سالانشان در مطالعه و فهم مطلب جلوتر هستند. مشکل اینجاست که والدین آنها را با نوجوانی خودشان مقایسه کرده که کتاب برای این گروه سنی کم نوشته می‌شد و آنها مجبور بودند کتاب‌های بزرگتر از سن و فهم خودشان را مطالعه کنند. بنابراین با ادبیات قلمه سلمبه‌ای نیز برخورد می‌کردند، البته در بیشتر موارد سؤال نیز نمی‌پرسیدند و گاه نسبت به آنچه خوانده بودند، دچار کج فهمی می‌شدند و با خواندن دوباره کتاب‌ها در جوانی و بزرگسالی متوجه قضیه می‌شدند. ولی یادآوری اینها هم موجب نمی‌شود که نگاه تحقیرآمیز نسبت به نوجوان‌شان نداشته باشند و آنها را با خودشان مقایسه نکنند. انسان دچار نسیان است و با گذر از هر مرحله از زندگی، لذت‌ها و شوق‌های آن دوره را هم فراموش می‌کند. قطعاً والدین هم دوست داشتند تا حق انتخاب بود و متناسب با سن و زمانه خودشان می‌خواندند و رشد می‌کردند. اما گرد فراموشی مانع از ارتباط سالم با نوجوان‌شان می‌شود و مدام انتخاب آنها را مورد سرزنش قرار می‌دهند.

گروه دیگری از نوجوان‌ها هم هستند که تمایل به ادبیات عاشقانه دارند. آنها از سن خود فراتر رفته و گاه یواشکی از کتابخانه بزرگسالان کتاب امانت می‌گیرند که باز هم تویخ از سوی والدین مواجه می‌شوند که این کتاب‌ها او را اسیر خیال و رؤیا می‌کند و بهتر است امانت ندهیم. ما هم در بیشتر زمان‌ها امانت نمی‌دهیم، اما این راه چاره نیست و او کتاب را از دوستانش یا حتی فایل پی‌دی‌اف آن را در اینترنت یافته و می‌خواند. عطش خواندن دارد و آنچه را بخواهد می‌باید، پس چه بهتر که کتاب را در دست‌ان او یا در اکانت اپ کتابخوانی با مشاهده سابقه مطالعه‌اش ببیند تا در سایت‌های نامناسب، رمان‌های عاشقانه با محتوای رکیک جنسی را بخواند. کتاب خواندن البته کار مثبت با ارزش افزوده بالایی است که نوجوان ما به آن علاقه‌مند است، بنابراین می‌توانیم برای جهت دادن به مطالعه‌اش، او را عضو باشگاه‌های کتابخوانی موضوعی یا نویسنده محور کنیم تا با یک تسهیلگر توانمند در زمینه گفت‌وگو همراه و هم‌دل شود. در این جمع‌هاست که نوجوان می‌تواند هم‌زمان با مطالعه کتاب به صورت فردی، در گروه نیز زمینه‌های ارتباط اجتماعی و بیان احساس را در خودش تقویت کند.

یک: خودشان اهل کتابخانه رفتن و خوره کتاب بودند و به ندرت پول بابت خرید کتاب دادند و می‌خواهند این ویژگی را از همان یک سالگی که کودک راه افتاده در او نهادینه کنند و عموماً دانشجو نیز هستند.

دو: والدین کتابخوان پولدار که فرهنگ و هزینه کردن برای آن همواره دغدغه‌شان است. آنها کتاب‌ها را خریده و بیشتر وقت خود را در کتابفروشی گذرانده‌اند تا کتابخانه. از اولین تجربه خرید کودک نیز، خرید کتاب از شهر کتاب‌ها بوده و در اتاق خودش یک کتابخانه مفصلی دارد.

دست‌روزارگر بر قیمت کاغذ و کتاب فشار آورده تا حدی که خرید کتاب کودک حتی برای اقشار مرفه نیز سخت شده است. حالا هر دو والد پیش من آمده‌اند، با یک تفاوت جزئی در نگاه نسبت به کتاب و سن کودک و نوجوان‌شان.

گروه اول، کودک نوبا است و در حال یادگیری با کتاب، گروه دوم نوجوانی عشق خواندن که همواره تازه‌های نشر را می‌خوانده است، اما حالا در کتابخانه‌ای گیر افتاده که او هم اسیر تأمین بودجه برای به‌روز کردن مجموعه‌اش است.

البته که در این کتابخانه، کتاب‌های خوب قدیمی است که رنگ و لعاب کتاب‌های جدید را ندارد، اما در هیجان خواندن و تزییق شوق به یک کتابخوان دست‌کمی از رمان‌های جدید ندارد.

برای گروه اول کتاب مناسب پیدا و توصیه کردن آسان‌تر است. سلیقه او هنوز شکل نگرفته، تنها به تکرار و مجموعه‌ها علاقه دارد و والد هم در زمینه کتاب‌های خردسال تخصصی ندارد و انتخاب را به کتابدار می‌سپارد.

اما سختی کار، مواجهه با آن نوجوان از کتابفروشی آمده و والد فرهیخته‌اش است. نوجوان‌های امروزی به واسطه تعامل زیاد با رسانه و تصویری شدن به گرافیک رمان، لایت ناول (رمان سبک)، کمیک استریپ و مانگا علاقه نشان می‌دهند. در زمان خرید کتاب که قرار به هزینه کردن بود، والدین در انتخاب کتاب بچه‌ها نظرهای مفصل می‌گذاشتند و با روش‌های مختلف مانع خرید این‌چنین کتاب‌ها از سوی آنها می‌شدند. نوجوان را به سمت رمان‌های کلاسیک که برای این گروه سنی کوتاه شده یا مناسب‌سازی شده سوق می‌دادند. یا طبق برنده جایزه‌های معتبر در جهان یا از بین لیست‌هایی که گروه‌های مختلف بررسی ادبیات کودک منتشر می‌کردند، کتاب به نوجوان پیشنهاد می‌کردند و او باید از بین گزینه‌های موجود یکی را انتخاب می‌کرد تا مبادا به ادبیات سخیف البته از نگاه والدینش نزدیک شود.

این چرخه با ورود به کتابخانه تا حدی مخدوش می‌شود، نوجوان با اندک هزینه‌ای به همان کتاب‌های تا حدی ممنوعه البته از

نگاهی به سبک‌های تعامل والدین کتابخوان با کودک و نوجوان با عقده‌ای بازی درست نمی‌شود

الهام اسماعیلی
نویسنده

کتابدار یک کتابخانه کودک و نوجوان هستم. کسانی که به من مراجعه می‌کنند، افراد فرهیخته و کتابخوانی هستند که دوست دارند فرزندشان نیز کتابخوان شود. والدین مراجعه‌کننده‌ها (اسمی که من روی آنها گذاشته‌ام) به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند.

دست‌روزارگر بر قیمت کاغذ و کتاب فشار آورده تا حدی که خرید کتاب کودک حتی برای اقشار مرفه نیز سخت شده است



ایراد در نگاه والدین فقط این است که آن کتاب‌ها فاقد ادبیات فاخرند و ارزش افزوده اندکی دارند؛ کودک و نوجوان در بیشتر مواقع با خواندن آن کتاب‌ها با صدای بلند می‌خندند



نوجوان‌های امروزی به واسطه تعامل زیاد با رسانه و تصویری شدن به گرافیک رمان، لایت ناول (رمان سبک)، کمیک استریپ و مانگا علاقه نشان می‌دهند

